

فصل ۱

۱. تعاریف و نمونه‌ها

❖ **کنش:** فعالیت انسانی آگاهانه و ارادی

❖ **کنش در علوم انسانی:** فعالیت انجام شده توسط انسان/ انجام‌دهنده کنش: کنشگر

نکته: (۱) تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند (هر ذره که هست، اگر غباری است/ در پرده مملکت به کاری است) مانند جریان خون در رگ آدمی، روان بودن آب در جویبار، کشت و زرع کشاورز و مرور کردن مطالب درسی در ذهن توسط دانش‌آموز؛ اما ویژگی‌های کنش سبب تمایز آن از فعالیت سایر مخلوقات می‌شود.

(۲) در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسانی اسم‌های گوناگونی مانند کار، عمل، فعل رفتار، کردار و کنش وجود دارد و برای انجام‌دهنده فعالیت، اسامی مختلف: کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما و عامل

❖ **کنش اجتماعی:** کنش انسانی با توجه به دیگران (آگاهی و اراده کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنان)

نمونه: لباس پوشیدن متفاوت در موقعیت‌های مختلف، سلام کردن و پاسخ سلام، از جا برخاستن با ورود معلم، رعایت حق تقدم هنگام سوار شدن اتوبوس. تعارف کردن، توجه به حرکات و سخنان طرف مقابل هنگام گفت‌وگو

❖ **پدیده اجتماعی:** کنش اجتماعی و پیامدهای آن (کنش اجتماعی، خردترین پدیده و سایر پدیده‌های اجتماعی آثار و پیامدهای آن)

نمونه: بانک، پلیس، مسجد، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها و ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی

❖ **هنجار اجتماعی:** شیوه انجام کنش اجتماعی مورد قبول افراد جامعه

نمونه: شیوه‌های معین احوال‌پرسی دیگران در هر جامعه (از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها)

❖ **ارزش اجتماعی:** پدیده‌های مطلوب و خواستنی مورد توجه و پذیرش و گرایش افراد جامعه (از جنس هدف و مقصود)

نمونه: عدالت، امنیت، آزادی

❖ **جهان:** مجموعه‌های بزرگ

نمونه: جهان طبیعت، جهان غرب، جهان اسلام

❖ **جهان اجتماعی:** همه پدیده‌های اجتماعی (شناخت بهتر جهان اجتماعی از طریق مقایسه آن با پدیده‌های مختلف مانند موجودات زنده/ سعدی: بنی آدمی اعضای یک پیکرند)

❖ **فرهنگ:** مجموعه آگاهی‌ها و شناخت‌های مشترک

❖ **تعریف دیگر فرهنگ:** شیوه زندگی گروهی از انسان‌ها که سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند.

نمونه: نوع خوراکی، پوشش، گویش، آداب و رسوم تولد، عروسی و عزاداری، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یادگیری - یاددهی، باورها و ارزش‌های اخلاقی، نگرش به عالم و آدم

❖ **فرهنگ عمومی:** بخش مشترک فرهنگ میان همه اعضای جهان اجتماعی

❖ **خرده فرهنگ:** بخش‌هایی از فرهنگ مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه

❖ **خرده فرهنگ موافق:** خرده فرهنگ سازگار با فرهنگ عمومی (اغلب خرده فرهنگ‌ها سازگارند)

❖ **ضد فرهنگ:** خرده فرهنگی که عقاید، ارزش‌ها و هنجارها و مهارت‌های پذیرفته شده آن ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی هستند.

نمونه: خرده فرهنگ تبهکاران و سارقان

❖ **نهادهای اجتماعی:** مجموعه عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای اختصاص یافته برای رفع نیازهای معین افراد و جهان اجتماعی (در نظر گرفتن اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی در رابطه با هم سبب آشکار شدن نهاد اجتماعی)

نمونه: خانواده: تعلیم و تربیت، سیاست و اقتصاد از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی





نکته: در هر جهان اجتماعی نوع خاصی از روش‌های تأمین نیاز جهان اجتماعی و افراد قابل قبول است و این کار به کمک نهاد اجتماعی صورت می‌گیرد. هر نهاد اجتماعی شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را تأمین می‌کند و شیوه‌های غیرقابل را طرد می‌کند. (تعیین راه درست یا کژراهه به دست آوردن ثروت توسط نهاد اقتصاد)

- ❖ **جامعه‌پذیری:** فرآیند مشارکت فرد در زندگی اجتماعی یا مسیر شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد (همان فرهنگ‌پذیری یعنی انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر)
- ❖ **کژروی اجتماعی:** کنش‌های برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی
- ❖ **کنترل اجتماعی:** مجموعه فعالیت‌هایی برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق فرد با انتظارات جامعه
- ❖ **یک نمونه مهم:** عقیده (انسان تربیت‌پذیر است) / ارزش (دانایی بهتر از نادانی) / هنجار (رفتن به مدرسه برای دانا شدن) / نماد (دفتر، قلم، کلاس، دانش‌آموز)

ارزش (هدف)	هنجار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم.
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم.
عفت	حجاب داشته باشیم.
حجاب	پوشش شرعی داشته باشیم.
ثروت

۲. انواع

۱) انواع پیامدهای کنش:

- ❖ **ارادی** (وابسته به اراده افراد یعنی خودکنشگر یا افراد دیگر) ← احتمالی
- ❖ **غیر ارادی** یا طبیعی (مستقل از اراده افراد انسانی) ← قطعی

نکته: پیامد ارادی، خودکنش است. اگر افراد پیامد ارادی را اراده کنند انجام می‌شود و اگر نخواهند انجام نمی‌شود/ پیامدهای غیرارادی، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آن‌ها را اراده کند بلکه نتیجه طبیعی کنش‌اند.

نمونه:

- سلام کردن ← پاسخ دادن یا ندادن
- مطالعه کتاب درسی توسط دانشجو ← یادگیری ← پاسخ به پرسش‌های امتحانی ← نمره دادن استاد متناسب با تلاش او
- باز کردن در و پنجره ← تغییر هوای کلاس
- وضو گرفتن ← پاکیزه شدن دست و صورت (پیامدهای وضو شامل نظافت جسم، نشاط روح و نزدیکی به خدا)
- پند و اندرز پیامبر به یک فرد درباه اندیشیدن به نتیجه پیش از انجام کار و عبارت آدمی در گرو عمل خویش است، اشاره به پیامدهای کنش دارد (آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز / بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز)

پیامد غیر ارادی	پیامد ارادی		کنش
	وابسته به اراده دیگری	وابسته به اراده کنشگر	
تندرسی	مورد تحسین دیگران قرار گرفتن	ورزش حرفه‌ای و ورزشکار حرفه‌ای شدن	ورزش کردن
آسیب و بیماری برای خود و دیگران	مورد نکوهش دیگران قرار گرفتن	ترک یا معتاد شدن به آن	سیگار و قلیان کشیدن
آسودگی ذهنی	برخورد مؤدبانه افراد با کنشگر	سخن گفتن آرام و متین	رعایت حیا
داشتن فشارخون متعادل	خودداری کردن از دعوا	تصمیم عاقلانه گرفتن	کنترل خشم

نکته: (۱) در بسیاری موارد انجام کنش آدمیان با توجه به پیامد ارادی و غیرارادی/ خودداری از انجام برخی کارها به دلیل پیامدهای نامطلوب (۲) داستان سعدی درباره آموختن حکمت از نابینایان توسط لقمان اشاره به توجه به پیامدهای کنش دارد.



۲ انواع کنش:

- ❖ درونی: غیرقابل مشاهده (تفکر و تخیل) - بیرونی: قابل مشاهده (راه رفتن و نشستن)
- ❖ فردی: بدون توجه به دیگران (تخیل دانش‌آموز در ذهن خود درباره رودخانه خروشان، سرکلاس) - اجتماعی: با توجه به دیگران (ایستادن راننده پشت چراغ قرمز، رعایت مقررات رانندگی در نیمه شب و به دور از چشم دیگران، دوربین مخفی)

نکته: (۱) با در نظر گرفتن دیگران، تبدیل کنش فردی به کنش اجتماعی

- (۲) شعر: (هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای/ من در میان جمع و دلم جای دیگرست) (داستان بوعلی سینا و مطالعه کتاب افلاطون و ورود همسایه‌اش که از نظر او سبب تنهایی است) اشاره به کنش فردش در حضور دیگران دارد هم‌چنین افطار کنار مزار شهدا، کنش اجتماعی است.
- (۳): برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازمست به واژه دیگران بیندیشید. افرادی که کنشگران با توجه به آن‌ها دست به کنش می‌زنند، متفاوتند.
- (۴): کنش اجتماعی تنها در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد.

۳ انواع لایه‌های جهان اجتماعی

- ❖ لایه‌های عمیق و بنیادین (بخش‌های دارای تأثیر تعیین‌کننده، تغییر آن‌ها به سختی ممکن است، با حذف آن‌ها فرو ریختن جهان اجتماعی) مانند عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌ها (خانواده، تعلیم و تربیت، قانون، عدالت اجتماعی)
- ❖ لایه‌های سطحی (بخش‌های بدون نقش حیاتی و اساسی، امکان تغییر بیش‌تر و به آسانی، تغییر یا حذف آن‌ها همراه با تداوم جهان اجتماعی) مانند هنجارها، رفتارها و نمادها (لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولید، جشن فارغ‌التحصیلی)

نکته: (۱) هیچ جامعه‌ای بی نیاز از هنجارها و نمادها نیست ولی هنجارها و نمادها در شرایط مختلف قابل تغییر است (تغییر آن‌ها تا زمانی که لایه‌های عمیق را تغییر ندهد موجب تحول بنیادین نمی‌شود)

- (۲) عقاید و ارزش‌ها عمیق‌ترین لایه‌های جهان اجتماعی (عمیق‌ترین لایه جهان اجتماعی، عقاید کلان مؤثر بر ارزش‌های اجتماعی / عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی که باور و اعتقاد انسان‌ها نسبت به اصل جهان، جایگاه انسان در آن و تفسیر او از زندگی و مرگ)
- (۳) جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به آن می‌سپارد ← شکل‌دهی ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود متناسب با همان شکل / جامعه‌ای که هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند ← سازمان‌دهی ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود متناسب با این عقیده

۴ انواع تفاوت‌ها

- ❖ ذاتی (در ویژگی‌های اساسی) مانند شیر و آهو
- ❖ عرضی (در ویژگی‌های سطحی) مانند شیرهای مختلف

نکته: نظم و همکاری میان اعضای موجود زنده یکسان است.

۵ انواع تفاوت‌های جهان‌های اجتماعی

- ❖ در لایه‌های سطحی (درون جهان اجتماعی واحد) یعنی نمادها و هنجارها مانند تغییر زبان و لهجه، تغییر جمعیت، رشد یا افول اقتصاد
 - ❖ در لایه‌های عمیق و عناصر محوری (تبدیل جهان اجتماعی به جهان دیگر یا میان جهان‌های اجتماعی) مانند ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی
- نمونه:** شرکت و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای اعتقاد و ارزش بنیادی جهان اجتماعی عربستان ← با ظهور اسلام و طرح عقاید آن یعنی توحید و یکتاپرستی و خلافت و کرامت انسان، نابودی ارزش‌های بنیادی جامعه جاهلی ← لایه‌های سطحی جامعه جاهلی در خدمت اسلام (زبان عربی حامل کلام الهی)

۶ تقسیم جهان اجتماعی

- ❖ دنیوی و سکولار (عقاید و ارزش‌های این جهانی): انکار جهان دیگر یا پذیرفته شدن در محدوده منافع و خواسته‌های این جهانی، همه ظرفیت‌ها و استعدادها در خدمت دنیا و فراموشی خواسته‌های معنوی
- ❖ فرهنگ معنوی (عبور از مرزهای این جهان و رسیدن به چهره ملکوتی و آسمانی): هستی فراتر از طبیعت، مقدس شدن زندگی این جهان در سایه حیات برتر

انواع جهان معنوی:

- ❖ توحیدی (تفسیر توحیدی و الهی انسان) مانند فرهنگ اسلام و انبیا
- ❖ فرهنگ اساطیری (خداوندگاران متعدد و قدرت فوق طبیعی): محصول انحراف از فرهنگ توحیدی



نکته: امکان ارزیابی جهان‌های اجتماعی مختلف بر اساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن‌ها و فرصت‌ها و محدودیت‌هایشان.

ب) برخی جهان‌های اجتماعی

- ❖ نادیده گرفتن استعدادها و معنوی و فراهم نکردن فرصت شکوفایی فطرت آدمی
- ❖ مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان و بی‌توجهی نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان، با رویکرد دنیاگریز / عدم استفاده از توانمندی آدمی برای آباد کردن جهان

نکته: هر جهان اجتماعی بر اساس عقاید و ارزش‌ها: افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی برای انسان فراهم می‌کند (نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر)

تعامل جهان‌ها

- ❖ **در جهان اجتماعی دنیوی:** طبیعت هیچ‌گونه معنا، هدف و غایتی ندارد - طبیعت صرفاً ماده خام در اختیار انسان برای دخل و تصرف به میل خود - محصول این دیدگاه: بهره‌وری‌های بی‌نظیر کنونی و بحران‌های زیست‌محیطی کنونی در دنیا
- ❖ **جهان اساطیری:** طبیعت قلمرو قدرت‌های فوق طبیعی و محصور رازها و افسون‌ها آن‌ها - جهان اساطیری با طرد دانش ابزاری متناظر با طبیعت، سبب دور از دسترس شدن امکان بهره‌وری معقول انسان از طبیعت - نمونه این محدودیت‌ها: منع انسان از تناول گیاهان و حیوانات
- ❖ **جهان توحیدی:** طبیعت موجود زنده و آیت و نشانه خدا و به خواست او مسخر انسان - انسان خلیفه الهی و مسئول عمران و آبادانی طبیعت - تصرفات انسان در طبیعت مقید به اراده حکیمانه الهی

۳. روابط، تربیت و نمونه‌ها

۱) پدیده‌های اجتماعی:

- ❖ بدون کنش اجتماعی هیچ‌هنجاری شکل نمی‌گیرد هیچ ارزش اجتماعی محقق نمی‌شود.
- ❖ کنش اجتماعی ← تحقق ارزش و هنجارها ← ضروری شدن جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی ← انتقال ارزش و هنجار به افراد از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه ← عمل افراد بر اساس ارزش و هنجار ← تداوم ارزش و هنجار
- ❖ مطالعه فرد به تنهایی با صدای دلخواه در یک مکان ← ورود فرد دیگر ← تبدیل به کنش اجتماعی و به میان آمدن ارزش و هنجار اجتماعی ← برای رعایت حقوق دیگری، مطالعه آرام
- ❖ شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی خرد و کلان: ایجاد پدیده‌های اجتماعی در ارتباط انسان‌ها با یکدیگر ← عمل افراد با آگاهی، اراده و هدف ← معنادار شدن پدیده‌های اجتماعی
- ❖ مستقل شدن پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌های به وجود آورنده ← ایجاد فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای کنش‌ها و زندگی آن‌ها ← احساس فرد درباره همانندی پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی

نکته: (۱) پدیده‌های اجتماعی توسط انسان و کنش‌ها ایجاد می‌شود ولی پدیده‌های طبیعی، نه.

(۲) آداب ما محصول پدیده‌های اجتماعی اطراف ما ← ظهور به شکل فرصت‌ها و محدودیت‌ها ← بدون آن‌ها، عدم امکان زندگی با هم. (ادب آداب دارد).

- ❖ کنش ناظر به دیگران، آداب و قواعد خاصی دارد / کنش‌های ما نه فقط در ارتباط با دیگران، بلکه در ارتباط با خودمان، خلقت (طبیعت و ماوراء طبیعت) و خداوند متعال. انواع کنش‌ها متأثر از یکدیگر هستند و اثرگذار بر یکدیگر و متناسب می‌شوند ولی هویت هیچ کدام از دست نمی‌رود.

نکته: (۱) انسان پدیده‌های اجتماعی را برای راه نیاز و تأمین سعادت پدید می‌آورد اما در مواردی آن‌ها را اصل قرار می‌دهد (رفع نیازها و تأمین سعادت در حاشیه) / به عبارت دیگر به جای قرار گرفتن این پدیده در خدمت سعادت بشر، پدیده‌ها انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند، مثلاً مراسم عروسی مقدمه و روشن اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است اما گاهی خود هدف می‌شود و با اعمال شرایط سخت، ایجاد هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوان (و در نتیجه یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده)

(۲) همانند پنداشتن پدیده‌های اجتماعی با پدیده طبیعی پیامدهایی دارد، برای نمونه نادیده گرفتن تفاوت علوم طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی





۲ گستره جهان اجتماعی

- ❖ پدیده‌های اجتماعی به جهان اجتماعی تعلق دارند: احترام به قانون (کنش اجتماعی)؛ خانواده، امنیت و صلح (حاصل کنش‌های اجتماعی)
- ❖ ورود پدیده‌های طبیعی به جهان اجتماعی: زلزله یا خشکسالی پدیده‌های طبیعی با تأثیر تعیین کننده در کنش‌های اجتماعی انسان‌ها (وضع قواعد خاص و انجام کنش مناسب، خانه‌های مقاوم در برابر زلزله، انبارها و سیلوهایی برای مقابله با خشکسالی) ← زلزله و خشکسالی به واسطه ارتباط با زندگی انسان، ورود به جهان اجتماعی (جهان طبیعی ← جهان اجتماعی)
- ❖ تأثیر پدیده‌های اجتماعی بر پدیده‌های طبیعی: آلودگی محیط زیست، نتیجه کارهای شتاب زده انسان‌ها (جهان اجتماعی ← جهان طبیعی) / تأثیر آلودگی بر زندگی اجتماعی انسان‌ها (جهان طبیعی ← جهان اجتماعی)
- ❖ ورود جهان ماوراء طبیعی به جهان اجتماعی: شناخت خدا، فرشتگان و جهان ماورای طبیعی سبب تغییر آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان و دگرگونی کنش‌های اجتماعی / برخورد متفاوت سنت‌ها و قوانین الهی با انسان‌های شاکر و ناسپاس یا جوامع عادل و ظالم، گشودن درهای آسمان بر عدالت پیشگان و انتقام الهی برای ستم پیشگان (جهان ماورای ← طبیعی جهان اجتماعی)

نکته: (۱) هر یک از موجودات بیرون جهان اجتماعی (طبیعی و ماورای طبیعی) به واسطه ارتباط با زندگی اجتماعی انسان ← قرار گرفتن در گستره جهان اجتماعی (۲) کنش و پیامدها = پدیده اعتباری / پدیده‌های ایجاد نشده توسط انسان که به واسطه ارتباط با زندگی انسان به جهان اجتماعی راه می‌یابند = پدیده تکوینی (۳) جهان هر فرد به اندازه وسعت فکر او / گستره جهان اجتماعی به اندازه دانش و آگاهی آن / مرزهای جهان اجتماعی همان مرزهای دانش / هر چه جهان اجتماعی دارای شناخت صحیح بیش تر از پدیده‌های اجتماعی، طبیعی و ماوراء طبیعی و اعضای آن بر اساس این شناخت‌های صحیح زندگی کنند ← زندگی اجتماعی بشر در مسیر خوشبختی و سعادت بیش تر

۴. ویژگی‌ها

۱ ویژگی کنش

- ❖ **آگاهانه:** کنش وابسته به آگاهی؛ از دست دادن آگاهی نسبت به کلمات و معانی سبب بازماندن از گفتار (فرد ناآگاه از زبان نمی‌تواند به آن زبان صحبت کند)؛ بدون آگاهی، کنش صورت نمی‌گیرد. برای نمونه مراجعه به دفترچه راهنما برای استفاده اولین بار از یک کالای پیچیده یا بازماندن از پاسخ امتحان با وجود شرایط مناسب محیطی، اجتماعی و فردی و عدم شناخت فرد گرسنه در جزیره خالی از سکنه درباره مواد غذایی آن‌جا
- ❖ **ارادی:** کنش وابسته به اراده؛ علاوه بر آگاهی، ضروری بودن اراده، زیرا ممکن است فردی به کاری آگاه باشد ولی تصمیم به انجام آن نگیرد. / ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر کنش نیست / دوراهی
- ❖ **هدف‌دار:** (چرا چنین کردی؟) را می‌توان از هر کنشگری پرسید (انجام فعالیت با هدف و قصد خاص)؛ رفتن فرد به کنار رودخانه با قصد ماهیگیری، لذت بردن از شنیدن صدای آب یا شنا کردن.
- ❖ **معنادار:** کنش برخلاف فعالیت سایر مخلوقات معنادار است / انجام کنش با توجه به معنا مانند دست بلند کردن دانش‌آموز (به معنای اجازه خواستن) و پاسخ معلم در صورت دریافتن معنا.

نکته: (۱) کنش به واسطه ویژگی‌های متمایز از فعالیت مخلوقات دیگر

(۲) کنش انسان‌ها همیشه بر اساس آگاهی صحیح نیست (انتقاد سقراط از شاگردی به سبب نقل خبر بدون دانستن حقیقت، خوبی یا سودمندی آن)

۲ پیامدها و الزامها

- ❖ سهم مردگان در ساختن جهان اجتماعی بیش تر از سهم زندگان (سهم پیشینیان در ساختن جهان اجتماعی بیش تر از ما) مانند شعر دگران کاشتند و ما خوردیم / ما بکاریم و دیگران بخورند
- ❖ زندگی اجتماعی شبیه گفت‌وگو در یک اتاق (ورود ما به اتاق، بعد از مدتی ورود به بحث و پس خروج از اتاق)
- ❖ تحقق جهان اجتماعی با آگاهی و اراده افراد انسانی ← به دنبال آوردن پیامدها و الزام‌هایی مستقل از قرارداد و اراده تک تک افراد ← فراهم آوردن موقعیت جدید (فرصت‌ها و محدودیت‌ها) برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما توسط پیامدها
- ❖ انسان برخلاف موجودات دیگر قادر به تغییر خانه خود و شیوه زندگی‌اش (دلیل تفاوت زندگی انسان کوچ‌نشین، یک جانشین و شهرنشین)
- ❖ جهان اجتماعی پس از ساخته شدن، ایجاد الزام‌ها و پیامدها (رفتار و زندگی متأثر از این پیامدها)



- ❖ تولد ما در جهانی پدید آمده توسط گذشتگان ما (باورها و ارزش‌ها و هنجارها و نمادهای شکل گرفته که به فعالیت ما شکل می‌دهد) ← هر یک از ما قادر به تداوم، گسترش و پیشرفت جهان یا گام برداشتن به سوی جهان اجتماعی جدید، نه صرفاً کنشگری منفعل ← ساختن جهان اجتماعی جدید نیازمند پیدایش و گسترش آگاهی و اراده نوین (امکان جلوگیری جهان موجود از بسط آن)
- ❖ هر جهان اجتماعی تا زمان پابرجایی از طریق مشارکت اجتماعی افراد دارای پیامدهای باقی ← با تغییر جهان اجتماعی، برداشته شدن الزام‌ها ← شکل‌گیری جهان اجتماعی جدید ← الزام‌های دیگر مؤثر بر فعالیت اجتماعی اعضا

۳) فرصت‌ها و محدودیت‌ها

- ❖ هیچ‌کس بدون فرصت و محدودیت ممکن نیست، تحقق جهان اجتماعی در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها
- ❖ مقررات راهنمایی و رانندگی با وجود محدودیت‌ها، در صورت عملی شدن سبب ایجاد فرصت رفت و آمد سریع و ایمن
- ❖ مردم ناچار به آموختن قواعد زبان ← همین محدودیت‌ها سبب فراهم آوردن فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادله معانی پیچیده
- ❖ بخش‌های مختلف جهان اجتماعی سبب فرصت‌ها و محدودیت‌ها: فرصت‌ها و محدودیت‌ها وابسته به یکدیگر (عدم تحقق هیچ‌کدام بدون دیگری) یعنی فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند

نکته: ظهور فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی (یا بایدها و نبایدهای جهان اجتماعی) به صورت حقوق و تکالیف ← حقوق و تکالیف وابسته به یکدیگر (هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شود)

۴) ویژگی‌های جهان متجدد

نکته: جهان متجدد: غرب بعد از رنسانس (۴۰۰ سال اخیر غرب)

- ❖ رویکرد دنیوی و این جهانی از دید ماکس وبر
- ❖ گسترش عقلانیت ابزاری: رشد علوم تجربی و فناوری حاصل از آن برای تسلط بر طبیعت و جامعه/ آدمیان متوجه اهداف دنیوی ← استفاده از علوم تجربی ← روش تجربی و فناوری حاصل از آن، ایجاد قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی همانند سیل و زلزله به انسان (قوت افرنگ از علم و فن است/ از همین آتش، چراغش روشن است)
- ❖ رواج کنش‌هایی به دنبال اهداف دنیوی به کمک علوم تجربی مانند استفاده از حسابداری و اقتصاد برای تخمین سود در بنگاه‌های اقتصادی با استفاده از علوم مهندسی برای ساختن پل و جاده (کنش‌های حسابگرانه معطوف به دنیا) ← تنگ کردن عرصه بر سایر کنش‌ها (عاطفی و اخلاقی) ← این وضعیت به تدریج اسیر ساختن انسان‌ها در نظام اجتماعی پیچیده
- ❖ **قفس آهنین:** افراد توان تسلط بر جهان به تدریج اسیر نظام اجتماعی پیچیده ← احاطه همه ابعاد وجود آنان و گرفتن فرصت‌هایی از قفس خودساخته (روند از دست رفتن اراده و آزادی انسان‌ها)
- ❖ طرد عناصر معنوی و مقدس (جهان بدون قداست): جهان صرفاً ساخته شده از مواد و موجودات در اختیار بشر ← به کارگیری آن‌ها توسط انسان (دگرگونی و مصرف و عدم قداست (در نگاهش آدمی، آب و گل است/ کاروان زندگی بی منزل است)
- ❖ زوال معنا و عقلانیت ذاتی: جهان متجدد فقط علوم حاصل از روش تجربی را علم می‌داند نه علوم حاصل از روش فراتجربی (عقلانی و وحیانی) ← افول این دسته از علوم، سبب از دست رفتن امکان ارزیابی ارزش‌ها و آرمان‌های بشری (پدیده‌های فراتجربی و غیرقابل مطالعه با علوم تجربی) ← سپرده شدن داوری این موارد به تمایلات افراد و گروه‌های متفرق)

نکته: بسط و توسعه عقلانیت ابزاری را گسترش دانش تجربی می‌گویند / زوال عقلانیت ذاتی یعنی از دست رفتن دانش اهداف و ارزش‌ها

۵. مقایسه جهان اجتماعی و موجود زنده

نکته: درمقایسه پدیده‌ها با یکدیگر، آشکار شدن شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها (بعضی اوقات انسان‌ها برای شناخت پدیده‌های ناشناخته، مقایسه آن‌ها با پدیده‌های آشنا)

۱) ویژگی‌های بدن موجود زنده

- ❖ اندام و اعضای متفاوت
- ❖ وابستگی اعضا در ارتباط با یکدیگر برای حفظ حیات موجود زنده





- ❖ بهره‌برداری از چینش و نظم مناسب برای تأمین هدف مشترک
- ❖ عضویت و تعریف نقش تکوینی و طبیعی و ناآگاهانه

نکته: جهان اجتماعی مانند موجود زنده دارای اعضای مختلف و اعضا برخوردار از نوعی نظم، در ارتباط با هم (نظم از ویژگی‌های مهم جهان اجتماعی)

نکته: تفاوت: عضویت اعضا در بدن موجودات زنده و نظم آن‌ها تکوینی (به وجود نیامدن و تغییر نکردن بر اساس آگاهی و اراده اعضا) ولی در جهان اجتماعی ارادی، آگاهی و قراردادی

نکته: یکی از استفاده‌های نادرست از مقایسه (با آسیب‌های جبران ناپذیر) تأکید صرف بر شباهت‌های پدیده‌های مورد مقایسه و نادیده گرفتن تفاوت‌ها/ بنا بر این باید از این اشتباه حذر کنیم که جهان اجتماعی و موجود زنده را کاملاً یکسان بینداریم در حالی که تفاوت‌های آن‌ها بسیار عمیق‌تر است مثلاً گمان کنیم همان تشریحی که در پزشکی انجام می‌گیرد در جهان اجتماعی نیز ممکن است.

۲ جهان اجتماعی

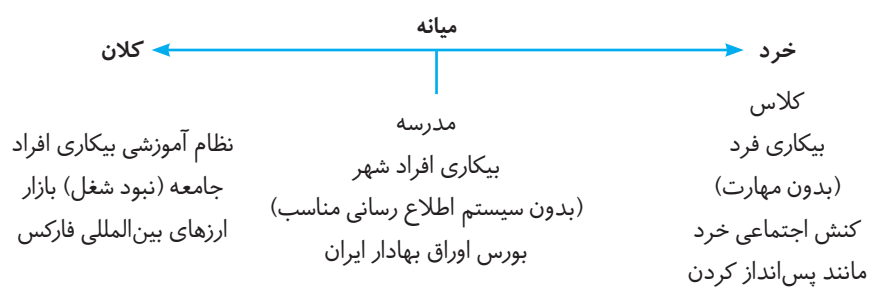
- ❖ بیش‌تر شبیه بازی گروهی (عضویت و تعریف نقش آگاهانه، دانستن قواعد بازی، آگاهی مشترک و شناخت و پذیرش وظایف و انتظارات)
- ❖ اعضای جهان اجتماعی (کارگران، کشاورزان و نهادهایی چون خانواده) با پذیرش عضویت ← راهیابی به جهان اجتماعی ← بر عهده گرفتن نقش ← متناسب با نقش، برخوردار از حقوق و تکالیف (خود و دیگران آگاه از عضویت و حقوق و تکالیف)
- ❖ جهان اجتماعی و نظم آن اعتباری (شکل‌گیری با اراده و آگاهی انسان) بر اساس آگاهی مشترک و عمومی
- ❖ تداوم جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ به نسل‌های بعد
- ❖ عدم حفظ فرهنگ در یک نسل یا عدم انتقال به نسل بعد ← فروریختن یا دگرگونی جهان اجتماعی

نکته: تداوم موجودات زنده در طول زمان و انتقال ویژگی‌ها از طریق وراثت از نسلی به نسل دیگر

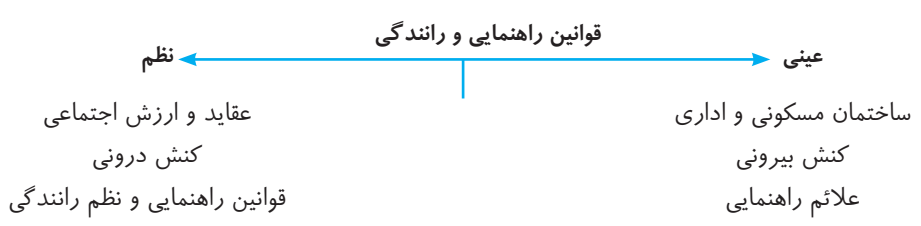
۶. اجزای جهان اجتماعی و تقسیم‌بندی آن‌ها

۱ تقسیم‌بندی جهان اجتماعی

- ❖ بر اساس اندازه و دامنه



- ❖ بر اساس ابعاد ذهنی (نامحسوس) و عینی (محسوس):



- ❖ نمونه: شهر (متوسط و عینی)، هدیه دادن برای روز تولد دوست (خرد و عینی)، تصور من از معلم کلاس اول (ذهنی و خرد)، عدالت اجتماعی (کلان و ذهنی)



نکته: (۱) تمامی پدیده‌های اجتماعی دارای هویت معنایی و ذهنی (هیچ یک از اجزای جهان اجتماعی بی‌معنا نیستند) اما همه پدیده‌ها، بعد محسوس و عینی ندارند.

(۲) در جهان اجتماعی بعد ذهنی پدیده‌ها دارای اهمیت بسیار است. مثلاً در یک بحران اقتصادی، کشورهای صنعتی باید نفت را به گران‌ترین قیمت می‌خریدند اما به ارزان‌ترین قیمت خریدند چون در کشورهای نفت‌خیز بعد عینی نفت به عنوان سرمایه وجود داشت اما بعد ذهنی آن، نه (دانش آموز نا آگاه از استعداد خود) پدیده‌های ذهنی بعد معنایی و ذهنی بیش‌تر.

(۳) جهان اجتماعی همانند بدن انسان از اجزای مختلفی تشکیل شده است. دانشمندان جهان اجتماعی را بر اساس معیارهای مختلف تقسیم‌بندی و اجزای آن را شناسایی می‌کنند.

۷. یکسان بودن یا تفاوت جهان‌های اجتماعی

- ❖ دیدن جهان اجتماعی که در آن متولد شده‌ایم ← گمان این‌که جهان اجتماعی یک شکل دارد. / چشم‌گشودن بر جوامع دیگر یا رجوع به تاریخ گذشته خود و مقایسه با آن ← پی‌بردن به تنوع جهان اجتماعی
- ❖ علت تفاوت و تنوع جهان اجتماعی: رفتار موجودات ناآگاهانه و غریزی ولی پدید آمدن جهان اجتماعی توسط انسان آگاه و خلاق ← انسان در قبال فرهنگ حاصل از تربیت، کنشگری فعال و تأثیرگذار، نه منفعل / تنوع آگاهی و معرفت + تنوع اراده و اختیار انسان‌ها ← پیدایش جهان‌های اجتماعی مختلف
- ❖ تقسیم کار جهان غرب: جامعه‌شناسی برای مطالعه جوامع صنعتی و شهری پیشرفته (غربی) و مردم‌شناسی برای جوامع ساده و ابتدایی / جامعه‌شناسی غربی، جوامع غیرغربی را ابتدایی و متعلق به گذشته بشر می‌دانست ← مواجهه مردم‌شناسان با فرهنگ‌های غیرغربی ← پی‌بردن به پیچیدگی و عمق این فرهنگ‌ها و اشتباه جامعه‌شناسان غربی ← طرح یکی از مهم‌ترین انتقادات به خودمداری فرهنگ غرب و تصور ساده آن از فرهنگ‌های غیرغربی توسط مردم‌شناسان

۸. انواع فرهنگ (حق و باطل، آرمانی و واقعی)

- ❖ **آرمان اجتماعی:** مجموعه اهداف و ارزش‌های مشترک اعضای جهان اجتماعی یا تصور اعضای جهان اجتماعی از وضعیت مطلوب فرهنگ، سیاست، اقتصاد و خانواده
- ❖ تبلور آرمان‌ها در ارزش‌ها مثلاً آرمان جهان اسلام توحید، در یک جامعه آزادی و در جامعه دیگر عدالت / خدمت به هم‌نوع خوب و خیانت گناهی بزرگ، دروغ‌گویی و رشوه و دزدی ناروا و رعایت مقررات پسندیده
- ❖ **قلمرو آرمانی:** ارزش‌های مورد جانبداری مردم (رعایت آن‌ها لازم) / اما در عمل ممکن است نادیده گرفته شوند.
- ❖ **قلمرو واقعی:** ارزش‌های مورد عمل مردم

نکته: قلمرو واقعی و آرمانی جهان اجتماعی به روی یکدیگر گشوده و مرز آن‌ها بر اساس عمل مردم متغیر است.

- ❖ عمل مردم مطابق ارزش‌ها ← ورود آرمان‌ها به قلمرو واقعی / عمل نکردن مردم به ارزش‌های قلمرو آرمانی ← فاصله گرفتن قلمرو واقعی از آرمانی
- ❖ تلاش برنامه‌ریزان فرهنگی: فراهم کردن زمینه تحقق آرمان‌ها و ورود به قلمرو واقعی از طریق تعلیم و تربیت



نکته: (۱) آرمان‌ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار جهان اجتماعی است که بسیار کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراعات نمی‌کنند.

(۲) آرمان‌های بیرون از قلمرو واقعی (ناپسند بودن اسراف و تبذیر) / آرمان‌های درون قلمرو واقعی (استکبارستیزی، احترام به پدر و مادر)

- ❖ ارزیابی واقعیت‌ها در قلمرو آرمان‌ها (عمل مردم مطابق آرمان سبب کاهش فاصله قلمرو واقعی و آرمانی)
- ❖ **فرهنگ حق:** بخش‌های صحیح از لحاظ علمی و مطابق فطرت انسان (توحید، وفای به عهد، تحمل و مدارا، حمایت از مستضعفان، دفاع از عدالت و حقوق انسان)
- ❖ **فرهنگ باطل:** بخش‌های غیرقابل دفاع از لحاظ علمی و بر اساس خرافات (ظلم، بی‌عدالتی، شرک، تجاوز به حقوق دیگران، دنیاپرستی)
- ❖ حق و باطل بودن هر لایه از فرهنگ جهان اجتماعی با همان لایه شناخته می‌شود. علوم تجربی دارای توان داور در باره ارزش‌های اجرایی (درست و نادرست بودن شیوه مداوای بیماران با روش تجربی) اما ناتوان در تشخیص حق و باطل بودن ارزش‌ها و عقاید کلان درباره انسان و جهان
- ❖ علوم مبتنی بر عقل و وحی دو ابزار مهم شناخت عقاید و ارزش‌ها



❖ جهان‌های اجتماعی محدودکننده علم به دانش تجربی (علمی نداشتن عقل و وحی)

❖ سخن نگفتن از حق یا باطل بودن عقاید و آرمان‌ها

❖ عقاید و ارزش‌های اجتماعی پدیده‌هایی صرفاً در قلمرو آرمانی و واقعی

❖ ما فقط قادر به شناخت بودن یا نبودن ارزش‌ها و پیامدهای اجتماعی و تاریخی آن‌ها (راهی برای داوری حق و باطل آن‌ها نداریم)

نکته: (۱) علوم اجتماعی اگر علم را به معنای تجربی آن محدود نکند ← امکان داوری درباره حق یا باطل واقعیت‌ها و آرمان‌های اجتماعی

(۲) حق و باطل در تاریخ از آرمان‌های بشری (لزوم رعایت حق و مقابله با باطل در اغلب جهان‌های اجتماعی) / در جهان اسلام نیز از مهم‌ترین ارزش‌ها و آرمان‌ها عمل به حق و پرهیز از باطل / تقسیم واقعیت و آرمان‌ها بر اساس حق و باطل (ارزیابی واقعیت در پرتو آرمان و تشخیص مناسب یا نامناسب بودن)

❖ حدود قلمرو واقعی و آرمانی در جهان اجتماعی دستخوش تغییر و متفاوت از یک جامعه به جامعه دیگر مثلاً امنیت در کشور آشوب‌زده آرمانی و در جامعه بسامان واقعی یا استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب آرمان و پس از انقلاب واقعیت

❖ عدم تعیین حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها و هنجارها و کنش‌ها بر اساس آگاهی یا جهل، توجه یا بی‌توجهی مردم جهان‌های اجتماعی به آن‌ها

❖ جوامع مختلف با ایمان به عقاید و ارزش‌های حق ← ورود آن‌ها به قلمرو آرمانی / ساماندهی هنجارها و اعمال براساس عقاید و ارزش‌های حق ← ورود به قلمرو واقعی

❖ جوامع بدون شناخت حق یا ایمان به آن یا عمل کردن به آن یا در صورت از دست دادن ایمان به حقایق ← گسستن از حق و گام برداشتن به سوی باطل

❖ حقایق ثابت اما تغییرپذیر از جهت قرار گرفتن در قلمرو آرمانی یا واقعی / امکان انحراف از حق و پذیرش باطل برای جهان یا برعکس برای جهان اجتماعی اما عدم تغییر حق و باطل بر مدار بینش و گرایش جوامع

نکته: برخی جهان‌های اجتماعی، حق و باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان و مکان متفاوت، وابسته می‌دانند (به رسمیت نشناختن هیچ حقیقتی ورای خواست و اراده افراد)

❖ **ارزش‌های باطل:** نژادگرایی و برتر دانستن یک قوم یا گروه، استکبار و غلبه بر دیگر جوامع، شرک و بت‌پرستی (عدم دگرگونی آن‌ها بر اساس مواجهه جوامع) /

❖ **ارزش‌های حق:** آزادی انسان از همه بندها، عدالت و ایجاد شرایط مناسب رشد انسان، توحید و ربوبیت خدا

نکته: تکاثر و قبیله‌گرایی از ارزش‌های باطل در هر دو قلمرو است (آرمانی و واقعی)

۹. سرنوشت جهان‌های اجتماعی

① دیدگاه جامعه‌شناسان به تغییرات جهان اجتماعی: مجموعه پدیده‌های اجتماعی

دیدگاه طولی (تک‌خطی)

❖ همه جهان‌های اجتماعی شبیه یکدیگر (طی مسیر یکسان)

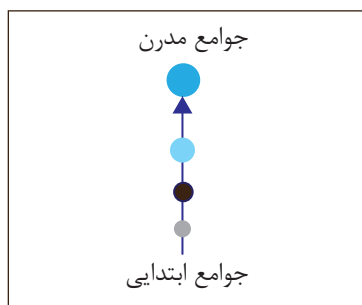
❖ همه جهان‌های اجتماعی شبیه موجود زنده و تفاوت آنها شبیه مراحل مختلف رشد موجود زنده

❖ نگاه تک‌خطی به تاریخ بشر

❖ همه جوامع در یک خط و مسیر واحد

❖ برخی جوامع پیشرفته‌تر و برخی عقب‌مانده‌تر (جوامع عقب مانده باید الگوی خود را جوامع پیشرفته قرار دهند)

نمونه: ضرب‌المثل (همه راه‌ها به رم ختم می‌شوند) / استعمار به معنای طلب آبادانی برای جوامع عقب‌مانده (برخلاف معنای امروزی آن یعنی استثمار)



«جهان‌های اجتماعی در طول هم»



دیدگاه عرضی (چند خطی)

- ❖ اعتقاد به تنوع جهان‌های اجتماعی
- ❖ هر جهان اجتماعی دارای فرهنگ و تمدن مناسب خود
- ❖ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بر اساس آرمان و ارزش، دنبال کردن تحولات و پیمودن مسیرهای مختلف
- ❖ برخی فرهنگ و تمدن‌ها دارای دوام طولانی و پس از مدتی از بین رفتن ← یاد کردن مردم‌شناسان بر همین اساس از جهان‌های اجتماعی متفاوت (غرب اسلام، چین و هند)
- ❖ جهان‌های مختلف با روابط متقابل قادر به استفاده از تجربیات یکدیگر
- ❖ هیچ جهان اجتماعی با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر دیگری را ادامه دهد.

فصل ۲

۱- هویت

- ❖ **هویت فرد:** پاسخ به پرسش کیستی و عامل تمایز شخص از اشیا و افراد دیگر و هویت همراه با نوعی احساس مثبت یا منفی
- انواع ویژگی‌های هویتی:**
- ❖ شکل‌گیری بدون دخالت ما ← مکان و زمان تولد، دختر و پسر بودن (انتسابی)
- ❖ شکل‌گیری توسط ما ← صفات اخلاقی و روانی (اکتسابی)
- ❖ شکل‌گیری بدون دخالت ما، اما تغییر توسط ما ← منزلت اجتماعی
- ❖ ثابت ← زمان و مکان تولد
- ❖ متغیر ← جایگاه فرد در جهان اجتماعی (تابع دانایی، توانایی و دارایی)

نکته: هر فرد در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد ولی خود می‌داند همان شخصی است که تغییرات را سپری کرده. (بعد ثابت هویت)

❖ فردی ← زرنگی، تنبلی، صبوری (ویژگی اخلاقی)

❖ اجتماعی ← ایرانی، مسلمان (حاصل عضویت در گروه‌های اجتماعی یا نقش)

ویژگی‌های هویتی	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
متولد دوم اسفند ۷۹		✓	✓		✓	
راست‌گو	✓		✓			✓
کشاورز	✓			✓		✓
جوان		✓	✓			✓
وقت‌شناس	✓		✓			✓
گندمگون						
ایرانی						
خجالتی						
روستایی						

۲- تعامل ابعاد هویتی با یکدیگر

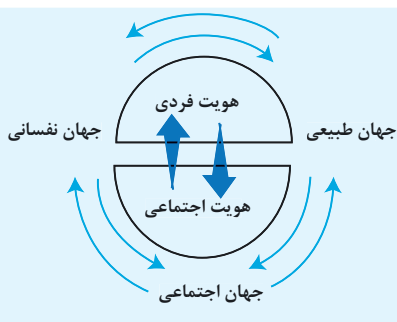
ابعاد متمایز هویت انسان:

- ❖ بعد جسمانی (بدن)
- ❖ بعد نفسانی (نفس و ویژگی روانی و اخلاقی)
- ❖ بعد اجتماعی (نقش و عضویت فرد در جهان اجتماعی)





نکته: سه بعد مذکور با یکدیگر ارتباط دوسویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بدن مجرای ارتباط با جهان طبیعی و نقش و عضویت مجرای ارتباط با جهان اجتماعی است



❖ نمونه‌ها:

- ترشح زیاد تیروئید سبب عصبانی شدن
- درمان بیماری جسمانی با کمک قوای روانی / امام صادق: برای هرکاری که نیت آدمی قوی باشد، بدن دچار ضعف نمی‌شود.
- در شرایط اقلیمی متفاوت، شیوه زندگی اجتماعی متفاوت
- تهدید طبیعت توسط زندگی اجتماعی انسان‌ها
- تغییر جهان توسط انسان باتقوا (امام خمینی) / خود امام خمینی با تقوای خود، مسیر تاریخ ایران، اسلام و جهان امروز را تغییر داد.
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات

نکته: شکل‌گیری هویت جهان اجتماعی (هویت فرهنگی) بر اساس عقاید و آرمان‌ها و ارزش‌های کلان و سامان یافتن قواعد و هنجارها و نمادهای جهان اجتماعی متناسب با همین عقاید و آرمان‌ها و ارزش‌ها

شکل‌گیری هویت هر فرد درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن:

- ❖ در جامعه قبیله‌ای ← جایگاه قبیله‌ای افراد
- ❖ در جامعه سرمایه‌داری ← ثروت و توان اقتصادی
- ❖ در جامعه دینی ← براساس عقاید و ارزش‌های دینی (در اسلام بر اساس تقوا، علم و عدالت)

تعامل جهان اجتماعی با طبیعت

- ❖ تعامل هر جهان اجتماعی با طبیعت و بدن بر اساس هویت خود
- ❖ در جهان متجدد دخل و تصرف در طبیعت مجاز (هر نوع تصادف)
- ❖ در جهان معنوی اسلام طبیعت موجود زنده، آیت خدا
- ❖ انسان در نگاه معنویت خلیفه خدا (موظف به آبادانی جهان)
- ❖ انسان مجاز به تصرف، مخالف اراده حکیمانه الهی در طبیعت و بدن نیست

تعامل جهان اجتماعی با هویت روانی و اخلاقی

- ❖ هر جهان اجتماعی بنا بر هویت خود، سازگار با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد ← فراهم آوردن زمینه رشد هویت سازگار
- ❖ تضعیف امکان پیدایش انواع دیگر هویت
- ❖ جهان متجدد سازگار با ویژگی‌های روانی و اخلاقی مرتبط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی (فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، انضباط، تبحر، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی، مال‌اندوزی)
- ❖ جهان متجدد ناسازگار با ویژگی‌های اخلاقی مرتبط با ارزش‌های معنوی و الهی (قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی، توکل)
- ❖ هویت فرهنگی جهان متجدد ناسازگار با هویت روانی و اخلاقی معنوی ← هویت اخلاقی و الهی انسان ناسازگار با هویت دنیوی جهان متجدد

۳- خود آگاهی یا ناخودآگاهی

نکته: شعر عطار (گفت چون سقراط در نزع اوفتاد) اشاره به مسأله خودآگاهی دارد.

- ❖ بخشی از هویت آگاهانه (شناخت توسط ما یا دیگران که برای ما بازگو می‌کنند) و بخشی پنهان
- ❖ گاهی تأمل و اندیشه درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن آگاه نیستیم.
- ❖ گاهی برای شناخت خود کمک از دیگران و یا پرسش از والدین و دوستان درباره نقاط قوت و ضعف خویش مثلاً مشاوره گرفتن از مشاوران، روان‌شناسان و

روان‌کاوان



❖ بحث جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان درباره ابعاد هویت اجتماعی انسان

❖ فیلسوفان دارای مباحث گسترده درباره هویت

❖ پیامبران و اولیای الهی از دیرباز سخن گفتن درباره ابعاد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان و غفلت و فراموشی انسان‌ها از خویشتن

نکته: (۱) گاه در شناخت ویژگی هویت خود و دیگران دچار خطا می‌شویم. وجود نظریات متفاوت درباره هویت نشانه امکان خطا در شناخت هویت
(۲) کودک خطای خود را غیر عمدی و خطای دیگران را عمدی می‌داند. علت این امر خودخواهی نیست بلکه با شناخت بیش‌تر دیگران، کودک خطای دیگران را ناشی از بی احتیاطی می‌داند. (تغییر قضاوت با افزایش شناخت)
(۳) دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان دارای نظریات متنوع درباره غفلت و فراموشی انسانها از هویت واقعی خود

۴- تغییرات هویت اجتماعی

۱) موقعیت اجتماعی

❖ جایگاه فرد در جامعه یا گروه اجتماعی (با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، کسب اطلاعات درباره او)

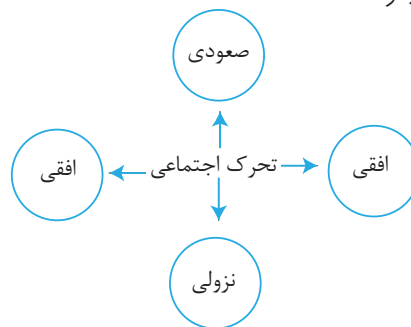
❖ کسب هویت اجتماعی جدید همراه با تغییر در موقعیت اجتماعی فرد

❖ افراد در بدو تولد پذیرش هویت اجتماعی انتسابی خود به صورت انفعالی در محیط خانواده ← با گذر زمان، برخورد با محیط اجتماعی به گونه‌ای فعال ←

به دست آوردن هویت اکتسابی ← برخورداری از موقعیت اجتماعی جدید، متناسب با این هویت اجتماعی جدید

۲) تحریک اجتماعی

❖ جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت دیگر



نمونه: (۱) کارمند اداره ← مدیر بخش / مدیر بخش ← مدیر کل: تحرک صعودی

(۲) مدیر اداره ← کارمند عادی: تحرک نزولی

(۳) تغییر شغل بدون تغییر موقعیت (انتقال کارمند به بخش دیگر): تحرک افقی

انواع تحرک اجتماعی

❖ درون‌نسلی (فرد در طول زندگی)

❖ میان‌نسلی (فرد نسبت به والدین)

۳) انسداد اجتماعی

❖ بسته بودن راه تحرک اجتماعی صعودی (امکان دسترسی افراد محروم به موقعیت بالاتر)

❖ بیش‌تر در جوامعی که تعیین موقعیت اجتماعی بر اساس ویژگی انتسابی (وراثت، نژاد)

❖ در بسیاری جوامع مبتنی بر ویژگی‌های اکتسابی، بسته بودن راه تحرک اجتماعی بر محرومان

❖ نمونه: انسداد اجتماعی برای محرومان در جامعه دارای رده‌بندی موقعیت براساس سرمایه اقتصادی

۴) نظام فئودالی (ارباب - رعیتی)

❖ در جوامع فئودالی: موقعیت اجتماعی وابسته به رابطه با زمین

❖ برخی ارباب و برخی رعیت و برخی طبقه سوم (صراف، بنا و کفاح)



❖ طبقه سوم هویت منفی و پست بدون اعتبار اجتماعی (تحمل آن به علت کارکردها و فواید)

❖ طبقه سوم همان طبقه متوسط

❖ طبقه متوسط برای کسب اعتبار ← ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن ← بی اعتباری اشراف با معیار فایده‌مندی (خود را تولیدکننده و مفید و اشراف را سربار معرفی می‌کرد). ← پذیرش این معیار توسط عموم مردم ← پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی (ارزیابی همه انسان‌ها بر اساس همین ملاک) ← شکل‌گیری جوامعی که وضعیت اقتصادی، موقعیت اجتماعی را تعیین می‌کرد. (وابستگی سایر ویژگی‌های هویتی به آن)

۵- فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی

❖ فرصت متفاوت افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت جدید در جهان‌های اجتماعی مختلف

❖ جامعه به تناسب عقاید و ارزش‌ها، تشویق یا منع تغییرات هویتی و تحرک اجتماعی

نمونه: (۱) جامعه شکل گرفته بر اساس ارزش نژادی ← امکان تحرک صعودی نژاد خاص (آپارتاید)

(۲) جامعه شکل گرفته بر اساس ارزش اقتصادی ← امکان تحرک صعودی برای ثروتمندان

(۳) جامعه شکل گرفته بر اساس ارزش دنیوی و این جهانی ← امکان تحرک اجتماعی در محدوده همین ارزش‌ها

(۴) در جهان سکولار ← بروز نکردن هویت دینی و معنوی / منع فعالیت‌های آشکارکننده هویت دینی (جلوگیری از تحصیل دختران محجبه برای جوامع غربی) /

عدم امکان رأی به قوانین الهی (بعد از انتخاب اسلام‌گرایان در الجزایر، کودتای نظامی و جمله رئیس‌جمهور آمریکا: نیاز مردم الجزایر به دموکراسی کنترل‌شده)

(۵) در جهان دینی و معنوی ← به رسمیت نشناختن هویت‌های نافی ابعاد متعالی و الهی انسان

۵- هویت فرهنگی و هویت اجتماعی

❖ هویت اجتماعی، محصول عضویت گروهی (شهری، روستایی، عشایری) مثلاً دانش‌آموز بودن

❖ هویت فرهنگی

● هویت جهان اجتماعی

● بر اساس عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی (تحقق در صورت پدید آمدن عقاید و ارزش‌های مشترک)

● پذیرش نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد ← هویت فرهنگی جهان اجتماعی

● پدیده گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد (شکل‌گیری هویت اجتماعی در پرتو آن)

● پدیدآوردن فرصت شکل‌گیری هویت اجتماعی، خانوادگی و شغلی متناسب و مقاومت در برابر هویت‌های اجتماعی ناسازگار

● دوام هویت فرهنگی تا زمانی که عقاید و ارزش‌ها مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی / مواجه دوام هویت فرهنگی با چالش در صورت از دست رفتن اعتبار

عقاید و ارزش‌ها نزد اعضای جهان اجتماعی

نمونه: (۱) دانش‌آموز ← مدرسه نهاد تعلیم و تربیت ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

نمونه: (۲) هویت خانوادگی فرد ↔ خانواده ↔ نهاد خانواده ↔ هویت فرهنگی جهان اجتماعی

نکته: (۱) دانش‌آموز بودن یکی از ویژگی‌های هویت اجتماعی است که محصول عضویت در مدرسه است ولی خود مدرسه دارای هویت خاصی است. مدرسه

با پذیرفتن عقاید، ارزش‌ها هنجارها و نمادهای نهاد تعلیم و تربیت به رسمیت شناخته می‌شود. نهاد تعلیم و تربیت یکی از نهادهای جهان اجتماعی

است و هویت خود را از جهان اجتماعی کسب می‌کند (هویت جهان اجتماعی همان هویت فرهنگی جهان اجتماعی)

(۲) تغییرات عمیق و کلان را تحول اجتماعی می‌گویند. در تحول اجتماعی یک جهان اجتماعی به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌شود.

(۳) خانواده یک گروه اجتماعی است. هویت خانوادگی بخشی از هویت اجتماعی و نتیجه عضویت در خانواده است. در هر جهان اجتماعی به هر شکل از

زندگی، خانواده نمی‌گویند بلکه تنها شکلی از زندگی که بر اساس عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای نهاد خانواده باشد، پذیرفته می‌شود. در مقابل، نهاد خانواده

نیز تا زمانی دوام می‌آورد که گروه‌های خانوادگی، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن را بپذیرند و بر اساس آن عمل کنند.

۶- انواع تغییرات هویتی

۱- تغییرات هویتی

❖ در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه ← سازگار با هویت جهان اجتماعی و مورد تشویق و تأیید جامعه مثلاً نوآوری فرد در یکی از عرصه‌های اجتماعی

و ارتقای موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد (مورد تأیید جامعه)





❖ فراتر از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی ← شیوه‌هایی از زندگی اجتماعی در تقابل با عقاید و ارزش‌ها ← تعارض فرهنگی ← اضطراب و نگرانی اجتماعی

علل تعارض فرهنگی

❖ درونی ← نوآوری و فعالیت اعضا

❖ بیرونی ← تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر

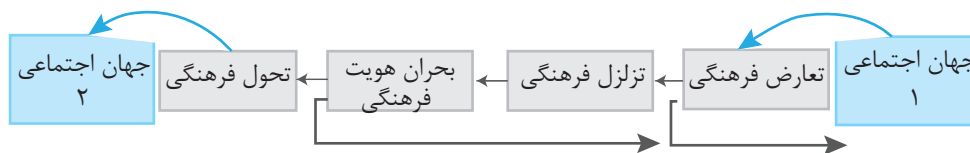
❖ تحول فرهنگی: تغییر اساسی در جهان اجتماعی ← تبدیل جهان اجتماعی به جهان دیگر

② **فرآیند تحولات هویتی:** تداوم شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های اجتماعی (تعارض فرهنگی) ← ناتوانی جهان اجتماعی در ساماندهی کنش‌های اجتماعی بر اساس فرهنگ ← تزلزل فرهنگی یعنی تردید در عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های سازنده هویت فرهنگی و از دست رفتن ثبات آن‌ها در زندگی مردم ← بحران هویت یعنی ناتوانی جامعه در دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی ← تغییر و دگرگونی هویت فرهنگی (تحویل فرهنگی) و تبدیل جهان اجتماعی به جهان دیگر

نکته: آغاز ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها و رسیدن به سطوح عمیق‌تر (عقاید و ارزش‌ها)

انواع تحولات فرهنگی

- فرهنگ باطل گرفتار تزلزل و جهت تغییرات به سوی حق ← مثبت (جامعه جاهلی ← نبوی)
- فرهنگ حق گرفتار تزلزل و جهت تغییرات به سوی باطل ← منفی (جامعه نبوی ← اموی)



نکته: (۱) بسیاری از متفکران شکل‌گیری دوران پسامدرن را تحول هویت جهان متجدد می‌دانند و برخی آن را تغییر می‌دانند.

(۲) ممکن است در ایران برخی خانواده‌ها دچار بحران هویت باشند ولی نهاد خانواده دچار بحران هویت نباشد.

۷- علل درونی تحولات فرهنگی

❖ **علل درونی:** ابداعات و نوآوری مثبت و منفی افراد- کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی

● جهان اجتماعی مواجه با کاستی و بن بست درونی، گرفتار کهنوت و مرگ

● **مرگ جهان اجتماعی:** زمانی که با وجود به کارگیری تمام ظرفیت‌ها، از پاسخ‌گویی به نیازها (طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی) بازماند.

● عمل نکردن جهان اجتماعی متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد، پاسخ ندادن به پرسش‌ها درباره معنای زندگی و مرگ، غفلت از پرسش‌ها یا رسیدن به پوچ‌انگاری (انکاری معنا برای زندگی انسان یا ناتوان دانستن انسان در یافتن معنای زندگی) ← از دست دادن نشاط زندگی ← روبه رو شدن با انواع آسیب‌ها (یأس، ناامیدی و خودکشی افراد)

● کاستی و خلاء معنوی ← فراخواندن متفکران به بازاندیشی بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی ← تشویق آنها به عبور از مرزهای هویت فرهنگی

● **نمونه جهان‌های اجتماعی دنیاگریز:** راهبه (خواهر روحانی) کسانی هستند که داوطلبانه جامعه را ترک کرده و زندگی را به عبادت و تفکر در صومعه یا دیر می‌گذرانند. مرتاض (سادو) در زبان سانسکریت به معنای انسان مقدس، آن‌ها از اجتماع فاصله می‌گیرند و تمرکز بر ریاضت دارند و لباس زعفرانی رنگ آن‌ها نماد چشم پوشی از دنیاست.

۸- علل بیرونی تحولات هویتی جهان اجتماعی

نکته: اشتراک خسیس و ولخرج، علاقه شدید به پول است (یکی با خرج کردن و دیگری با خرج نکردن اهمیت را نشان می‌دهد) شیوه زندگی هر دو شکل اشتباه مصرف است. مسأله درست مصرف کردن است. پس پرسش اساسی در چگونگی ارتباط جهان‌های اجتماعی است نه اصل ارتباط.

روابط جهان‌های اجتماعی

❖ تعامل جهان‌های اجتماعی با دیگر جهان‌ها با حفظ عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌ها ← گرفتن عناصر در محدوده هنجارها و شیوه زندگی و در صورت لزوم تغییر در

آن‌ها ← گسترش و پیشرفت جهان اجتماعی





نمونه: تعامل جهان اسلام با جهان‌های دیگر با حفظ هویت فرهنگی ← گرفتن عناصر سازگار با هویت و در موارد مورد نیاز، بازسازی آن‌ها از جمله به دلیل اهمیت عقلانیت، اخذ عناصر عقلی از فرهنگ یونان و روم ← دخل و تصرف در دانش‌های آن‌ها به تناسب جهان‌شناسی توحیدی ← نپذیرفتن عناصر اساطیری و مشرکانه (ترجمه آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم توسط مسلمانان و رها کردن آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن‌ها)

❖ تعامل جهان اجتماعی با دیگر جهان‌ها بدون پافشاری بر عقاید و ارزش‌ها ← سرایت دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق ← با پشت کردن به عقاید و آرمان‌ها، دچار تحولات هویتی ← در مسیر تحولات هویتی، قبول ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگر سبب الحاق به آن

نمونه: تحولات هویتی فرهنگ‌های دیگر تحت تأثیر جهان اسلام مانند پذیرش عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام و الحاق به آن توسط مصر و ایران

❖ در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، پذیرش بخش‌هایی از آن و تحولات هویتی بدون الحاق

نمونه: تحولات هویتی جهان غرب طی جنگ‌های صلیبی پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن بدون پیوستن به آن

نکته: عبور جهان اجتماعی غرب از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی ← روی آوردن به ارزش‌های سکولار و دنیوی و یافتن هویت جدید (تحول هویتی)

نمونه: جمهوری خواهان لائیک فرانسه در سال ۱۹۰۵ م. تصویب قانونی در مجلس ملی فرانسه در نتیجه حذف دین از آخرین عرصه‌های حضور اجتماعی خود/ برخی کتاب‌های ابن عربی در غرب منتشر شده است

۹- خودباختگی و از خودبیگانگی فرهنگی

۱) خودباختگی فرهنگی

❖ دادوستد جهان اجتماعی به طور فعال و براساس نیازها و مشکلات خود با جهان دیگر

❖ اعضای جهان اجتماعی مبهوت جهان اجتماعی دیگر ← از دست دادن حالت فعال و خلاق در گزینش عناصر فرهنگ دیگر ← خودباختگی فرهنگی ← فرا گرفتن عناصر فرهنگی دیگر بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی

❖ عملکرد تقلیدی جهان اجتماعی و از دست دادن ارتباط با فرهنگ و تاریخ خود ← نه تداوم فرهنگ گذشته، نه رها کردن آن. نه الحاق به دیگری (از این جا رانده و از آن‌جا مانده)

❖ **غرب زدگی:** خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر غرب (به دلیل مرعوب شدن در برابر قدرت اقتصادی و سیاسی غرب)

نکته: غرب زدگی جوامع غیرغربی مهم‌ترین مانع تعامل آن‌ها با جهان غرب

۲) از خودبیگانگی:

نکته: نه تنها افراد بلکه جهان‌های اجتماعی هم دچار از خودبیگانگی می‌شوند (از خودبیگانگی فرهنگی)

انواع از خودبیگانگی فرهنگی:

❖ **از خودبیگانگی تاریخی:** فراموشی فرهنگ تاریخی خود مانند جوامع خودباخته

❖ **از خودبیگانگی حقیقی (فطری):** عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان مانند جهان‌های اجتماعی که بر اساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند:

● برخوردار از عقاید و ارزش حق نیستند ← مانع شناخت و تفسیر صحیح انسان از جهان و آدم

● دور ماندن انسان از حقیقت خود و هستی

● تصویر ارائه شده از انسان سراب حقیقت ← به آرامش نرسیدن فطرت آدمی ← فطرت گرفتار اضطراب و تشویش ← عصیان و اعتراض

نظر قرآن:

● تنها نگاه توحیدی، انسان را به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رساند.

● فراموش کردن خدا سبب فراموشی انسان از خود (هم‌چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، سپس خداوند آن‌ها را از یاد خودشان برد)

● تنها جهان اجتماعی توحیدی سبب گشایش درهای آسمان و زمین به روی انسان و آشنایی او با حقیقت خود و جهان ← انسان دارای خودآگاهی، دیدن خود و جهان به عنوان نشانه خدا (همواره هم‌نشین خدا)



نکته: (۱) جهان اجتماعی مشترکانه اساطیری و جهان سکولار و دنیوی، بیگانه کردن آدمی از حقیقت جهان و خود

(۲) اگر اعضای جهان اجتماعی، واقعیت‌ها و آرمان‌های خود را فراموش نکنند، آن جهان اجتماعی دارای هویت تاریخی است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن مطابق حق باشند، دارای هویت حقیقی است.

نمونه: رواج غذاهای آماده و نوشیدنی گازدار ناسالم / کلبه کوچک به سبک نقاشی‌های اروپایی روی کاشی‌های ایرانی کاخ گلستان / تغییر مبدأ تقویم از هجرت پیامبر به تاریخ تاج‌گذاری کوروش در سال ۱۳۵۴ / جشن هنر شیراز مراسمی خارج معیارهای اخلاقی از سال ۴۶ در شیراز به ریاست فرح پهلوی و از نشانه‌های ابتدال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه

دو مطلب مهم:

(۱) تأخیر در ازدواج و افزایش طلاق نوعی تعارض فرهنگی ← ادامه این روند تا جایی که اعضای جامعه فاقد انگیزه لازم برای تشکیل خانواده و حفظ آن و ترجیح زندگی مجردی در عمل (تزلزل فرهنگی) ← سست شدن نهاد خانواده و عقاید و ارزش‌های آن و در نتیجه رواج بدیل‌های زندگی خانوادگی نظیر زندگی با حیوانات، ازدواج با هم‌جنس، زندگی مشترک بدون ازدواج و ناتوانی جامعه در دفاع از کیان خانواده و ارزش‌ها و هنجارهای آن در برابر این اشکال (بحران هویت) / امروزه نهاد خانواده در ایران مواجه با تعارض فرهنگی

(۲) امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع ← از یکسو انتقال تعامل فرهنگی از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی و از سوی دیگر کشاندن تعامل فرهنگی از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها ← در نتیجه عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی در عرض هم و با کمیّت و کیفیت نابرابر در دسترس همه افراد ← بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه مهم‌ترین منازعه هویتی

۱۰- هویت فرهنگی و تاریخی ایران

نکته: افراد معمولاً خود را با ویژگی‌هایی مانند قد، قیافه، پوشش، ثروت، تبار خانوادگی، مهارت، خلق و دانش می‌شناسند و اقوام و ملت‌ها با ویژگی‌هایی مانند سرزمین، تاریخ، جمعیت و اقتصاد

۱) هویت ایران پیش از اسلام

- ❖ سرزمینی با ۷۰۰۰ سال قدمت و اقوام مختلف
- ❖ هویت توحیدی، دینی و اساطیری
- ❖ روایتی از هویت در شاهنامه فردوسی
- ❖ اقوام مختلف با هویت‌های اجتماعی متفاوت، پیدا کردن هویت فرهنگی واحد در عقاید و ارزش‌های زرتشتی (آمیخته با اساطیر)
- ❖ زبان فارسی دری، زبان سیاسی دربار ایران و زبان رسمی مشترک اقوام مختلف

۲) هویت ایران پس از اسلام

- ❖ زبان فارسی به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری اسلام، فراتر رفتن از محدوده زبان سیاسی اقوام ← زبان دوم جهان اسلام ← در نوردیدن مرزهای امپراتوری گورکانی و عثمانی ← گسترش از هند و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان
- ❖ خدمات حکیمان و شاعرانی چون مولوی، سعدی و حافظ موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام
- ❖ تولید معارف و هنرها توسط ایرانیان سایر مسلمانان نیازمند آموختن زبان فارسی برای دستیابی به آن‌ها

نکته: طی سده‌های مختلف، جهان اسلام یا به دفع مهاجمان پرداخت (جنگ صلیبی) یا هضم مهاجمان (مغول)

۳. هویت ایران پس از رویارویی با غرب

- ❖ تجربه جدید که هنوز ادامه دارد.
- ❖ قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها ← خودباختگی فرهنگی بخش‌هایی از مسلمانان ← رواج تصویر القایی شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جهان اسلام در جامعه اسلامی و ایران



❖ هویت فرهنگی جهان اسلام در دیدگاه مستشرقان: توحیدی یا اساطیری نیست/ سکولار و دنیوی/ محدود به ابعاد تاریخی و جغرافیایی/ تقسیم امت به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس در قالب عناوین قوم‌گرا و ناسیونالیستی

نکته: (۱) متفکران ایرانی از دهه سی به بعد در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذب حاصل از آن ← پدید آوردن آثاری مانند غرب‌زدگی و بازگشت به خویشتن (اندیشمندان مسلمان هم آثاری مانند خدمات متقابل اسلام و ایران و فطرت و خویشتن الهی انسان)
(۲) سرزمین بعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد و خاطره جمعی و مشترک، بعد تاریخی هویت را. (برقراری روابط پایدار نیازمند مکان ← مکان ایجاد زمینه ارتباط افراد با ارزش‌های مشترک ← سرزمین یا وطن دارای ارزش متفاوت ← دفاع مردم از آن)

❖ افرادی که با هم زندگی می‌کنند ← سرگذشت مشترک و تبدیل آن به خاطره مشترک ← انتقال از نسلی به نسل دیگر ← متراکم و مستحکم شدن خاطره در گذر زمان ← ساختن بعد تاریخی هویت جامعه

نکته: (۱) مستشرق یا شرق شناس جمعی از محققان غربی که از منظر جهان غرب و با اهداف مواضع غربی، مطالعه جوامع شرقی و میراث فرهنگی آن‌ها (به جای بازخوانی و مطالعه، بازسازی و خلق هویت شرقی از منظر جهان غرب)/ ناسیونالیسم مجموعه‌ای از باورها و نمادها که دلبستگی و تعلق به ملت، سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری را آرمان اساسی انسان‌ها و تعیین‌کننده هویت ملت‌ها می‌داند.
(۲) مسلمانان پس از فتح ایران به دلیل نداشتن سابقه مملکت داری، برای اداره قلمرو گسترده، ثبت و ضبط اموال و غنایم و بیت المال از کارگزاران ایرانی و نظام دیوانی آن‌ها استفاده کردند/ در خدمات متقابل اسلام و ایران استاد مطهری اشاره به تأثیر توحید در ایرانیان و نقش آن‌ها در گسترش اسلام کرده است.

۱۱- انقلاب اسلامی ایران

نکته: انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات هر جهان اجتماعی؛ یکی از مهم‌ترین بحث‌ها درباره انقلاب؛ دستاوردها و پیامدهای آن (کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت)؛ یکی از مهمترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی.

انقلاب اسلامی

❖ حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب
 ❖ بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی، نه بازگشت به خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی (که با اندیشه‌های دنیوی غرب تفسیر شود)
 ❖ جامعه ایران به رهبری امام خمینی و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت ← بازگشت به هویت اسلامی خود ← قرار دادن تاریخ و جغرافیای خود ذیل آسمان معنوی توحید ← دفاع از مرزهای جامعه ایران خود در برابر جهان مقابل برای ۸ سال (تداوم مقاومت تا به حال)
 ❖ بازگشت جامعه ایران به هویت اسلامی خود (مستقل، فعال و تأثیرگذار) ← تبدیل ایران به قلب تپنده بیداری اسلامی ← الهام گرفتن جهان اسلام از انقلاب ← جست و جوی هویت بیرون از تصاویر القایی غرب ← ظهور اسلام به عنوان قطب فرهنگی جدید (کانونی فرهنگی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای خود به ویژه پرسش‌های معرفتی و معنوی متوجه آن شده‌اند).
 ❖ حیات معنوی اسلام سبب گسترش افق‌های جدید برای اندیشمندان غربی ← فراخواندن نظریه پردازان غربی به تأمل و بازبینی نظریات خود (آن‌ها طی قرن ۲۰، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشر می‌دانستند)

نکته: حجاب در دوران رضاخان مسئله درون جامعه ایران بود و اینک مسئله کشورهای اروپایی شده است.

۱۲- هویت ایرانی (بعد جمعیت)

نکته: جمعیت و اقتصاد از عینی ترین ابعاد هویت جامعه- اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت است.

❖ جمعیت هر جامعه بخشی از هویت ← در معرفی جمعیت اشاره به ویژگی‌های جمعیتی مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، بیکار و شاغل بودن
 ❖ هویت فرهنگی: هویت جهان اجتماعی (شکل‌گیری بر اساس فرهنگ یعنی عقاید و ارزش‌های کلان)
 ❖ گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن ← هر عامل اثرگذار در گسترش فرهنگ و معانی، مؤثر در بسط هویت جهان اجتماعی ← راه گسترش فرهنگ، شناختن، پذیرفتن و عمل کردن به آن (شناختن صرفاً بر عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی) ← اعضای جهان اجتماعی حاملان و عاملان فرهنگ و معانی آن ← هرچه عاملان و حاملان فرهنگ بیشتر، بسط بیشتر فرهنگ



- ❖ نمونه: ازدواج و تشکیل خانواده ← مودت و رحمت میان زن و مرد (قرآن: از نشانه‌های او، آفریدن همسرانی از جنس خودتان برای آرامش و مودت است) ← تولد فرزند سبب مودت بیشتر ← تسری مودت زن و شوهر به رابطه فرزندان و والدین ← تولد فرزندان بعدی سبب گسترش معانی و ارزش‌ها ← با گسترش خانواده و ایجاد نسبت‌های پدربزرگ، مادر بزرگ و خانواده، شکل‌گیری نظام خویشاوندی ← فراهم شدن زمینه گسترش بیشتر مودت و رحمت

نکته: افزایش جمعیت یعنی گسترش فرهنگ و معانی آن / کاهش جمعیت یعنی محدود شدن گستره ← زمینه‌ساز تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر / تأمین جمعیت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله هویتی.

❖ هدف اسلام تأسیس و گسترش جهان توحیدی لازمه تحقق هدف داشتن جمعیت مناسب

❖ افزایش جمعیت ضروری است اگر:

❖ فرهنگ و معنای بسط‌یافته با افزایش جمعیت، فرهنگ حق

❖ افراد و اعضای فرهنگ، عاملان و حاملان معنای حق

نکته: لازمه بسط هویت جهان اجتماعی، افزایش جمعیت است (با تشکیل گروه سه نفره، جمع به وجود می‌آید که حاصل عضویت نفر سوم است. در گروه کوچک امکان ارتباط رودرو و بی واسطه، اما در گروه‌های بزرگ تر نیاز به واسطه یا همان نهاد مانند پول یا زبان پیچیده / جهان اجتماعی با گسترش و ایجاد نهادها در صدد رفع مسائل نوظهور)

۱۳- سیاست‌های جمعیتی

نکته: فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم نهاد خانواده (اختلال در نهاد خانواده گاهی سبب کاهش جمعیت در جهان اجتماعی)

❖ مواجهه جوامع غربی با کاهش جمعیت و پیری و سالمندی جمعیت به علت بالا رفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده و طلاق، رفاه‌زدگی، عافیت‌زدگی، مصرف‌گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان

❖ شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد کاهش جمعیت است زیرا اقوام خانواده و فرزندآوری در گرو محبت و فداکاری ← در جهان اجتماعی متجدد به دلیل فردگرایی و اصالت لذت، کاهش محبت و ایثار ← فرزندآوری کم‌تر، کاهش شدید جمعیت و فروافتادن در چاله جمعیتی (تلاش جوامع برای جبران کاهش جمعیت، انجام سیاست‌های تشویقی و پذیرش مهاجران)

❖ مواجهه جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمعیت ← نهاد سیاست (مسئول هماهنگی نهادها)، چاره‌اندیشی برای حل مشکل جمعیت ← با همراهی مردم، اجرای راه‌حل‌ها (سیاست‌های جمعیتی) در راستای رشد یا کاهش جمعیت سیاست‌های کاهش جمعیت ایران

❖ از سال ۴۵ تا پیروزی انقلاب سیاست کاهش جمعیت (۳/۱ ← ۲/۶ رشد سالانه)

❖ از سال ۶۸ تا ۹۰ سیاست کاهش جمعیت (۳/۹ ← ۱/۳ رشد سالانه)

❖ از سال ۹۰ تجدیدنظر در سیاست کاهش جمعیت و تصویب اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور در سال ۹۳)

۱۴- هویت ایران از بُعد اقتصاد

❖ **کنش اقتصادی:** فعالیتهای روزمره تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران

نکته: کنش اقتصادی بخشی از کنش اجتماعی زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرد.

❖ **نهاد اقتصاد:** مجموعه کنش‌ها، روابط و قواعد تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت (نهادها در تمامی جوامع هستند اما اشکال متفاوت دارند)

نکته: (۱) در هر جامعه شکل‌گیری اقتصاد در رابطه با سایر نهادها و متناسب با آن‌ها ← یکی از وجوه تمایز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی.

(۲) عباراتی هم چون کارآفرین، تولیدکننده، مالیات‌دهنده (به دلیل عدم تمایز به زبان نمی‌آید) و کم‌فروش و محترک (به دلیل ضد ارزش بودن مخفی می‌ماند) نشانگر هویت اقتصادی است. جوامع هم هویت اقتصادی دارند مثلاً اقتصاد دانش‌بنیان، تک‌محصولی، مقاوم / شکننده، دستوری / غیردستوری، سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی





اقتصاد ایران

- ❖ اقتصاد امروز محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی
- ❖ از سویی دستاوردهای اقتصاد ماندگسترش بهره‌مندی مردم از آب و برق و گاز ارتباطات؛ ایجاد زیرساخت‌های مختلف مانند سد و نیروگاه‌ها؛ توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات؛ ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان؛ موفقیت‌های علم و فناوری؛ سازندگی خرابی‌های جنگ؛ جبران عقب‌ماندگی تاریخی؛ مقابله با تحریم
- ❖ از سویی معضلاتی چون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی
- ❖ کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت از جمله عوامل شکل‌گیری اقتصاد ایران در دوران معاصر

ویژگی‌های اقتصاد نفتی

- ❖ امکان تبدیل سرمایه‌های نفتی به انواع دارایی و ثروت مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف ← اگر این سرمایه به درستی استفاده نشود قادر به ایجاد اقتصاد وابسته (رشد و افول آن وابسته به قیمت و در آمد نفتی)
- ❖ در آمد هنگفت و بدون زحمت ← شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده (مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت) ← ایجاد دولت بزرگ که کوشش آن افزایش رفاه اقتصادی به مدد نفت (نه رواج کسب و کار) و تأمین هزینه‌های آموزش و بهداشت به کمک درآمد نفتی (در بیش‌تر نقاط دنیا تأمین از طریق مالیات‌ها)

نکته: رفاه کوتاه‌مدت با نوسانات زیاد و ناپایدار برای مردم ← ایجاد وضع شکننده ← امکان سوءاستفاده طمع‌ورزان بین‌المللی و استفاده از آن به عنوان ابزار ایجاد فشار بر جامعه

- ❖ تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با رویکرد بالا علیه کشور ما اجرا شده برای محدود کردن درآمد نفتی کشور و جلوگیری از انتقال آن به کشور
- ❖ هجوم اقتصادی به ایران دارای تاریخ طولانی و در ادوار مختلف به صورت‌های مختلف توسط استعمارگران غربی
- نمونه:** در زمان قاجار اخذ امتیازات مختلف مثلاً رژی و رویتزر؛ در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار و کالای مصرفی، صنایع مونتاژ و تخریب بنیان‌های تولید ملی به ویژه روح خودباوری ملت (اصلاحات ارضی)
- ❖ تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ علیه سایر ملت‌ها صورت گرفته و در مقابل مواجه با واکنش‌های آن‌ها زیرا اقتصاد روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع است.
- نمونه:** کمپانی هند شرقی با ماهیت اقتصادی و تجاری، عملاً ابزار هویت‌زدایی، غارت و چپاول دارایی مردم هند (مقاومت مردم به رهبری گاندی)

اقتصاد در جهان غرب

- ❖ شکل‌دهی هویت جهان غرب بر اساس اقتصاد
- ❖ سرمایه‌داری عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی (هویت انسان‌ها و جوامع بیش از هر چیز وابسته به دارایی و توان اقتصادی)
- ❖ جوامع سکولار و دنیوی (تابع غرب) نیز دارای هویت سرمایه‌داری

نکته: برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب، اقتصاد را اساس همه‌چیز می‌دانند و تمامی شیوه‌های اقتصاد غیرسرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند ← از نظر آن‌ها پاشنه آشیل ایران اسلامی، اقتصاد است ← به راه انداختن جنگ اقتصادی تمام عیار علیه ما.

❖ ایران اسلامی به دنبال آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی:

- ❖ الگوی اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم
- ❖ باور به تعالیم اسلام و اتکا به ظرفیت مولد مردمی و دولتی
- ❖ باور به روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید و همبستگی
- ❖ با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی
- ❖ به ارمغان آوردن امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت برای مردم ایران
- ❖ به ارمغان آوردن الگوی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی برای جهان اسلام و بشریت
- ❖ تلاش مردم ایران برای پایه‌ریزی هویت اقتصادی نوین براساس عدالت، با اتکا به دانش و فناوری و تأکید بر استقلال، خودکفایی، منع خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی (فروش نفت بدون تبدیل آن به مواد دارای ارزش افزوده بالاتر مانند محصولات پتروشیمی در داخل)، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین برون‌گرایی (اقتصادی که مانند چشمه از درون بجوشد متکی بر تولید داخلی باشد اما نه صرفاً برای خود بلکه مبادله متعادل با سایر کشورها)

نکته: این هویت اقتصادی درمقابل انواع مشکلات مقاوم و پایدار می‌شود برای طی مسیر پیشرفت بدون تأثیرپذیری از دشمن‌های بیرونی و موانع درونی